

# نگرشی بر زندگی‌نامه امامزاده اسماعیل در اصفهان

و بررسی کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی آن

سید حسین حر (۱)

## چکیده:

در قرن دوم هجری به دلیل فشارهای امویان و عباسیان و عوامل آنان تعداد قابل توجهی سادات و علویان به ایران مهاجرت کردند. و در هنگام ورود امام رضا علیه السلام به ایران نیز عده‌ای از آنها به این سرزمین آمدند که بعدها تحت تعقیب بنی عباس قرار گرفتند و عده زیادی از آنها در شهرهای مختلف به شهادت رسیدند. و مردم که علاقه مند به سادات بودند برای آنها مزار و بقعه‌ای مهیا می‌کردند. از همین رو، اینک مزار بسیاری از آنان در شهرهای مختلف پراکنده است که در نزد مردم به «امامزاده» معروف اند. از جمله امامزادگان صحیح النسب و معتبر اصفهان، «امامزاده اسماعیل» از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام است.

اهداف این مقاله علاوه بر پرداختن اجمالی به شخصیت امامزاده اسماعیل، شفاف سازی پیرامون کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی آن است. که با بررسی این موضوع، نقش تعلیم و تربیتی و درس آموز آن برای نسل حاضر و آینده، بیش از گذشته روشن خواهد شد. با بررسی کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و معنوی امامزاده اسماعیل به نتایج ارزنده و مطلوبی از جمله گسترش فرهنگ زیارت و نقش گسترده آن در وحدت اجتماعی و توسعه هنر اسلامی و برگزاری هیئت‌های مذهبی و سوگواری و نهاد آموزشی و غیره که در طول مقاله به آن اشاره شده آشنا می‌شویم. که مهم تر از همه آن‌ها این است که مزار ایشان به کانونی برای ترویج فرهنگ تشیع تبدیل گردید و موجبات گسترش شعائر و معارف شیعه را فراهم کرد.

## کلید واژه:

سادات، امامزاده، تشیع، هنر، فرهنگ، امامزاده اسماعیل (اصفهان).

## مقدمه:

یکی از دلایل عمده نفوذ تشیع در ایران و به ویژه اصفهان ورود سادات علوی به این منطقه بوده است. سادات و علویان مورد تعقیب حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس بودند. با توجه به آنچه در منابع و متون تاریخی آمده عده بسیاری از سادات توسط منصور دوانیقی، دومین خلیفه عباسی به شهادت رسیدند.<sup>(۲)</sup>

با توجه به شدت ظلم و ستم خلفای عباسی و کشتار بی رحمانه سادات، مهاجرت آنان به شهرهای ایران از قرن دوم هجری به ویژه اصفهان آغاز شد.

شهرهای ایران به ویژه اصفهان به عنوان محلی نسبتاً امن و مطمئن، به دور از فشارهای مستقیم عمال خبیث حکومت‌های غاصب قرار داشت و ضمناً مردمان آن علاقه مند به فرزندان رسول خدا ﷺ از حضرت فاطمه علیها السلام بودند. و به طور کلی سادات در نزد مردم این سامان محبوبیتی خاص داشتند. در تحکیم مبانی شیعه گذشته از امامان معصوم علیهم السلام، امامزادگان و عالمان و دانشمندان مسلمان شیعی به خوبی نقش خود را ایفا کردند.

از یکسو مظلومیت امامان شیعه و امامزادگان در مقابل دستگاه غاصب و ظالمانه بنی امیه و بنی عباس و از دوم سو تأثیرات مهاجرت سادات به اصفهان و سهم امامزادگان در گسترش فرهنگ تشیع و از سوم سو آشنایی با زندگی امامزادگان و خدماتشان و از چهارم سو علل علاقه مندی اصفهانی‌ها به اهل بیت و امامزادگان علیهم السلام و از پنجم سو دستیابی به کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی حضور امامزادگان در اصفهان و از ششم سو علاقه مندی به خاندان عصمت و طهارت و شهادت مظلومانه آنان جملگی باعث شد تا در خصوص یکی از امامزادگان معتبر اصفهان به نام «امامزاده اسماعیل» تحقیق نمایم و این مقاله را بنویسم.

روش تحقیق در این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای با تکیه بر منابع اصلی و درجه اول می‌باشد که برای فهم بهتر از منابع درجه دوم و مطالعات و تحقیقات جدید نیز استفاده شده است. همچنین ناگفته نماند که برای تحلیل و تبیین حوادث و وقایع

از روش کلی مربوط به کلیات حوادث و تحلیل جزئی مربوط به جزئیات حوادث سود برده شده است. در ضمن جهت اتقان بیشتر تحقیق، حضور در مزار و بررسی ویژگی‌های هنری و فرهنگی لحاظ شد و همچنین در مشاوره با اهل فن و خبرگان محل، موضوعات اجتماعی و معنوی مورد بررسی قرار گرفت.

در این پژوهش به اجمال پیرامون ارکان رشد علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام در اصفهان اشاره شده و سپس به معرفی نسب امامزاده اسماعیل و اولین مسجدی که در اصفهان ساخته شده، پرداخته‌ایم. تکیه اصلی مقاله را روی کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی امامزاده اسماعیل علیه‌السلام قرار داده‌ایم و به تفصیل پیرامون آن بحث و تجزیه و تحلیل نموده‌ایم.

همچنین این پژوهش با مشکلاتی از جمله کمبود منابع درجه اول، به خصوص در رابطه با شیوه زندگانی امامزاده اسماعیل علیه‌السلام، پراکندگی مطالب و اندک بودن فرصت همراه بود. علیرغم تلاش‌های بسیار، البته اذعان می‌نمایم این تحقیق می‌تواند در آینده به طور جامع‌تری ارائه گردد که امید است این توفیق حاصل شود. پیش از پرداختن به زندگی‌نامه امامزاده اسماعیل علیه‌السلام در اصفهان و بررسی کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی آن، می‌طلبید که به طور اجمال، پیرامون علل علاقه‌مندی خطه اصفهان به اهل بیت علیهم‌السلام و گرایش تدریجی آنان به تشیع بحث نماییم.

## ارکان رشد علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام در اصفهان:

### ۱. حضور سادات در اصفهان:

سادات که اصطلاحاً به فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از حضرت فاطمه علیها‌السلام اطلاق می‌شود، در موطن عربی خود از سوی حکام بنی امیه و بنی عباس متحمل سختی‌های بسیار می‌شدند و حاکمان نسبت به فعالیت‌های آنان حساسیت و توجه ویژه‌ای داشتند. آنان به بهانه‌های مختلف مورد بازخواست و آزار و اذیت قرار

می‌گرفتند. این گونه رفتار، آنان را واداشت تا برای رهایی از ستم حاکمان وقت، مخفیانه به زندگی ادامه دهند و یا به مناطقی که از حکومت مرکزی دور بود، مهاجرت کنند.<sup>(۳)</sup> علی رغم وجود تسنن افراطی در شهر اصفهان، سادات فراوانی به این شهر مهاجرت کردند. این تعداد در کتاب منتقله الطالیه که فهرست بزرگان سادات مهاجر به شهرها را فهرست کرده، نام سی و سه نفر مهاجر به اصفهان یاد شده است. این رقم در قیاس با دیگر شهرها، بسیار بالاست. حضور سادات می‌توانست به آرامی زمینه‌ساز رسوخ افکار شیعی در این شهر باشد.<sup>(۴)</sup>

شیوه عملی زندگی سادات که توأم با زهد و عبادات بود، از عوامل گرایش و توجه مردم به آنان بوده است. چنان که ابن اسفندیار می‌نویسد: «به هر وقت ساداتی را که به نواحی ایشان نشسته بودند، می‌دیدند، زهد، علم و ورع ایشان را اعتقاد می‌کردند و می‌گفتند: آنچه سیرت مسلمانی است، با سادات است.»<sup>(۵)</sup>

احضار امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو توسط مامون و واگذاری ولایتعهدی به ایشان از یک سو، رونق یافتن کانون‌ها و فعالیت‌های شیعی با مهاجرت ایشان به این منطقه از دوم سو، ایجاد دلگرمی و تقویت روحیه سادات با آمدن امام به خراسان از سوم سو و سرانجام احساس امنیت و آسایش و محبوبیتی که در میان مردم ایران داشتند، از دیگر علل حضور سادات به ویژه در اصفهان بود.<sup>(۶)</sup>

## ۲. نقش صاحب بن عباد در نشر فضائل اهل بیت علیهم السلام:

در واقع باید یکی از ارکان رشد علاقه به اهل بیت علیهم السلام در اصفهان را «صاحب بن عباد» دانست. این وزیر شیعی برجسته در دوره اخیر آل بویه، توانست در منطقه جبال، تشیع را تا حد زیادی مستقر سازد. اشعار فراوان او در نشر فضائل اهل بیت علیهم السلام، در دیوانش گردآوری شده است. وی افزون بر ستایش اهل بیت علیهم السلام، به قدح ناصیبان که در این روزگار در اصفهان هم بوده‌اند، می‌پردازد. از جمله می‌گوید:

لما رایت النواصب انتکست صدعت بالحق فی ولائکم  
 رایاتها فی زمان تنکیس و الحق مذ کان غیر مبخوس  
 هنگامی که پرچم ناصبی‌ها را در زمان شکست ایشان، نگونسار می‌بینم، به  
 حقیقت ولایت شما اذعان می‌کنم. این در حالی است که حق همیشه شکست‌ناپذیر  
 بوده است. (۷)

«صاحب بن عباد» همچنین در رفع مظالم و ستمی که قبلاً به خصوص توسط  
 خلفای عباسی و عمال آنان نسبت به شیعیان و یا بسیاری از مسلمانان دیگر صورت  
 می‌گرفت، خصوصاً در ایران تلاش‌های زیادی نمود، به طوری که در عصر آل بویه  
 بسیاری از محدودیت و سختی‌هایی که شیعیان گرفتار آن بودند از میان رفت.  
 قبل از آل بویه شعارهای شیعه علنی نبود ولی در زمان آل بویه آن‌ها توانستند  
 شعارهای خود را آشکارا برپای دارند. شهادت به ولایت حضرت علی علیه السلام در اذان  
 و بزرگداشت حادثه کربلا و شهدای آن از شعارهای ممنوعه شیعیان بود که کم و  
 بیش علنی گردید. (۸) تشیع بویه‌یان به یقین در اصفهان نیز که از مراکز عمده آن‌ها  
 بوده، تاثیرهای خود را بر جای گذاشته است. (۹)

### ۳. حضور برخی از اصحاب ائمه و تابعین و علما در ترویج ذکر فضایل

#### اهل بیت علیهم السلام در این سامان:

در دوران حکومت امیرالمومنین علیه السلام برای مدتی یکی از اصحاب امام با  
 نام «یزید بن قیس ارجبی» حکومت داشت. پس از وی، از سوی امام، اصفهان  
 به «مخنف بن سلیم» واگذار گردید. (۱۰) مخنف اصفهان را به دست حارث بن  
 ابی الحارث سپرد و در جنگ صفین به حمایت از امیرالمومنین علیه السلام شرکت کرد.  
 ابوالشیخ در «طبقات المحدثین» خود از ولایت عمرو بن سلمه بر اصفهان در دوره  
 حکومت امام یاد کرده و حکایتی زیبا درباره بردن خراج و هدایای این شهر نزد امام  
 علی علیه السلام در کوفه نقل کرده است. (۱۱)

برخی از علمای شیعه نیز در گسترش تشیع و علاقه‌مندی مردم به اهل بیت علیهم‌السلام نقش عمده‌ای ایفا نمودند. «شیخ مفید» از فضای آزاد سیاسی، مذهبی دوره آل بویه استفاده کرد و با شرکت در مجالس مناظره ادیان، توانست نقش موثری در اثبات عقاید تشیع امامی و تبلیغ و ترویج آن داشته باشد. (۱۲) شیخ مفید مورد توجه و عنایت «عضدالدوله» نیز بود، به طوری که در تاریخ «حبیب السیر» چنین آمده است: «دانشمند سعید شیخ مفید که از جمله اعظام علما مذهب امامیه بود و عضدالدوله دیلمی پیوسته ملازمتش می نمود.» (۱۳)

## امامزاده اسماعیل علیه‌السلام در اصفهان:

### معرفی نسب:

اسماعیل بن ابراهیم همان کسی است که او را «طباطبا» گویند و برخی گفته‌اند پسرش ابراهیم را «طباطبا» گویند. مادر اسماعیل «ریحه» دختر محمد بن عبدالله بن ابی امیه که بدو «زاد الراكب» (توشه سوار) می‌گفتند و او پدر ام سلمه همسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. (۱۴)

نسب او را مختلف نوشته‌اند از آن جمله:

الف) «اسماعیل دیباج» اکبر فرزند ابراهیم متوفی به سال ۱۴۵ هجری فرزند حسن مثنی متوفی به سال ۹۷ هجری فرزند حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام بر حسب آنچه معروفست. آن جناب جدّ سادات طباطبایی است و فرزندش ابراهیم طباطبا در مقبره درب امام اصفهان مدفون است.

ب) «اسماعیل جالب الحجاره بن حسن بن زید بن الامام حسن السبط الشهيد علیه‌السلام. کتیبه سردرب امامزاده.

ج) «اسماعیل بن زید بن حسن مثنی بن الامام حسن المجتبی علیه‌السلام. کتیبه ضریح (۱۵)

امامزاده اسماعیل معروف به اسماعیل دیباج فرزند ابراهیم غمر (که به سال ۱۴۵ هجری در زندان منصور دوانیقی از دنیا رفت و قبرش در کوفه تا هم اکنون معروف و زیارتگاه است) فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام است. (۱۶) امامزاده اسماعیل از امامزاده‌های صحیح النسب و معتبر اصفهان می باشد که وی را «دیباج» هم می گویند که ظاهرا به مناسبت دیباج (معرب دیبا) ملقب به دیباج شده است. (۱۷)

سادات طباطبایی از نسل اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ملقب به دیباج هستند که می گویند لکنت زبان داشته و «قبا» را «طبا» تلفظ می کرد و از این جهت به طباطبایی مشهور است. (۱۸)



### «مسجد شعیا»؛ اولین مسجدی که در اصفهان ساخته شد

در حاشیه شرقی خیابان هاتف مجموعه‌ای نفیس از آثار معماری و تزئینات عهد سلجوقی و صفوی دیده می شود که به نام «امامزاده اسماعیل» شهرت دارد. این مجموعه عالی شامل یک مسجد بسیار قدیمی بنام «مسجد شعیا» و مقبره امامزاده و رواق و سردر و صحن آن و یک گنبد بزرگ آجری از نوع گنبد‌های چهارسوهای

اصفهان که هریک از آن‌ها در زمان معینی ساخته شده است. (۱۹)

نخستین مسجدی که در یهودیه اصفهان بنیاد یافت، مسجدی بود در محله باذانه، منسوب به ولید بن ثمامه فرمانروای اصفهان. اما درست این است که نخستین مسجد بزرگ که در اصفهان ساخته شد همان «مسجد خشینان» بود که ابوحناس در روزگار خلافت علی بن ابی طالب ع ساخته است. (۲۰)

در زمان خلافت منصور عباسی در سال ۱۵۰ هجری «ایوب بن زیاد» عامل خراج اصفهان شد. وی در قریه خشینان ساکن گردید. و در کنار شهر قصری بنا کرد و در جنب آن مسجدی با مقصوره‌ای که تا کنون باقیست بنا کرد، جامع خشینان، نخستین مسجدی بود که در اصفهان در دوره اسلامی ساخته شد. (۲۲) هیچ اثری از مسجد اولیه باقی نمانده است. (۲۲) با توجه به نوشته حافظ ابونعیم و کتیبه موجود در جنب مرقد شعیا علی نبینا و آله و علیه السلام مسلم می‌شود که قریه یا محله خشینان، همین محله امامزاده اسماعیل ع می‌باشد. (۲۳) قرن‌ها قبل از ورود امامزاده اسماعیل به اصفهان، مرقد یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام «شعیا نبی» در این مکان مقدس (امامزاده اسماعیل) مدفون گردید. (۲۴)





## کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی امامزاده اسماعیل در اصفهان:

### ۱. سنگاب‌های امامزاده اسماعیل، از دوره صفویه:

در صحن امامزاده دو سنگاب زیبا به فاصله کمی از هم در دو نبش شرقی و غربی ضلع جنوبی حوض آن قرار گرفته‌اند.

#### الف) سنگاب شرقی:

نوار بالای آن منقور به کتیبه صلوات بر چهارده معصوم علیهم‌السلام به خط ثلث برجسته است که روی نوار کنگره دار خوابیده قرار گرفته است. نوار سوم دور بدنه را نقوش اسلیمی گل و بوته پوشانده و قسمت پائینی آن را کنگره‌های درشت‌تر و برجسته رو به بالا زینت داده‌اند. بر بدنه سنگاب مزبور وقفنامه‌ای به خط نسخ برجسته به این شرح دیده می‌شود: (وقف نمود بر آستانه حضرت امامزاده اسماعیل این حوض را حاجیه شاهمر بنت حاج میرزا علی جزی برخواری سنه ۱۰۴۹) به این ترتیب معلوم می‌گردد که بانی سنگاب زنی به نام (حاجیه شاهمر) بوده و نصب سنگاب در عصر صفویه، همزمان با سلطنت شاه صفی انجام گردیده است. (۲۵)

#### ب) سنگاب غربی:

این سنگاب بلندتر از سنگاب شرقی و سنگاپه‌ای مانند آن دارد. این سنگاب با چهار نوار (باند) مدور، تزیین شده است.

نوار نخست، کتیبه صلوات بر چهارده معصوم علیهم‌السلام به خط ثلث برجسته است. نوار دوم، دارای نقش کنگره برجسته مثبت و منفی است که به گونه ایستاده و خوابیده در دل هم قرار گرفته‌اند. این نقش دارای ارزش گرافیکی ویژه‌ای است که به سبب تکرارش، حرکت دواری را در چشم بیننده می‌نمایاند. همین نقش در سنگاب شرقی نیز دیده می‌شود.

نوار سوم که نقش اسلیمی زیبایی را داراست، در بازی و گردش نور خورشید به روی آن از کیفیت جالبی برخوردار می‌گردد که ذهن پویای جماعت اهل ذوق و هنر باعث شگفتی است، چرا که از قانون تابش نور در کار نقش برجسته مایه می‌گیرد و پستی و بلندی زمینه را در چشمان تماشاگران جلوه‌ای تازه می‌بخشد. نوار چهارم یا آخر عبارت از تکرار دو نقش کنگره رو به بالاست. روی لبه این سنگاب پنج دایره منقور وجود دارد که نشانگر محل قرار گرفتن کاسه‌های آبخوری بوده است. (۲۶)

سنگاب (سنگ آب) ظرف بزرگ برای آب است که از سنگ یکپارچه ساخته می‌شود و در مساجد و بعضی اماکن دیگر قرار می‌دهند که مردم از آن با پیاله آب بردارند و بیاشامند. (۲۷)



دکتر هنر فر در گفتار کوتاهی زیر عنوان (سنگاب‌های تاریخی اصفهان از دوره صفویه) می‌نویسد: «در بین آثار و ابنیه نفیس تاریخی اصفهان سنگاب‌های مساجد خود مجموعه جالبی را تشکیل می‌دهد، تا آنجا که نگارنده تحقیق کرده است،

نصب سنگاب در مساجد و اماکن مقدسه و گذرگاه‌های مردم از دوره صفوی در ایران معمول شده است و یقیناً به وجود آمدن این دسته از پدیده‌های هنری ارتباط خاصی با عقاید و مذاهب مردم آن دوره دارد. زیرا مذهب تشیع از ابتدای تأسیس دولت صفویه به وسیله شاه اسماعیل اول مذهب رسمی دولت و دین اکثریت مردم ایران قرار گرفته است و سلاطین صفویه و امرا و مقربین درگاه پادشاهان و ایرانیان شیعه مذهب دوران صفوی در بزرگداشت یادگارها و یادبودهای ائمه شیعه علیهم‌السلام و بزرگان مذهب با جان و دل کوشیده‌اند و در پرتو معتقدات آن‌ها در مساجد و مقابر ائمه و امامزادگان و علمای شیعه آثاری از هنرهای زیبا به یادگار گذاشته شده است که از نظر ظرافت کمتر شبیه و مانند دارد... علاقه و ارادت‌مندی خاص مردم شیعه مذهب ایران به امام سوم (حضرت امام حسین علیه‌السلام) و تأثر و تأسف شدید آن‌ها از مظلومیت امام و اصحاب او و فاجعه کربلا و شهید شدن امام و اهل بیت اطهار و یاران او، در حالی که حتی بنی امیه آب فرات را هم به روی او و خانواده و اصحاب او بستند و نه تنها حاضر نشدند به جگر گوشه او، حضرت علی اصغر علیه‌السلام هم قطره آبی برسانند، بلکه آن کودک معصوم را نیز در آغوش پدر به قتل رساندند؛ موجب شده که به هر تشنه لبی آب رایگان بدهند و در مساجد و مقابر و بازارها و گذرها مخصوصاً هنگام تابستان ظروف و قدح‌های آب سرد قرار دهند، تا مردم راهگذری که تشنه‌اند از آن بنوشند و خاطره شهادت امام و اصحاب او را که تشنه کشته شده‌اند، زنده و جاودان نگاه دارند و به امام و اهل بیت او سلام بفرستند و قاتلین آن‌ها را لعنت کنند.» (۲۸)

با توجه به آنچه پیرامون سنگاب‌های امامزاده اسماعیل گفته شد، نکات ذیل در ذهن مترتب می‌گردد:

۱. سنت پسندیده وقف از قدیم الایام با نیت خیر و عام المنفعه از سوی بانیان آن، در ایران دوران اسلامی رواج داشته و از میان دوستان و شیعیان و علاقه‌مندان اهل بیت عصمت و طهارت، هر کس به قدر توانائیش مقداری از مایملک خود مثل

قطعه زمینی، باغی، مزرعه‌ای، سنگابی، فرشی، منبری، بوریایی و... را وقف اماکن مقدسه‌ای همچون بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام و یا امامزادگان و یا مساجد و تکایا می‌نمودند. این سنت پسندیده و ارزشمند دینی، اجتماعی تا کنون هم ادامه دارد، و مومنان و مومنات نیز با الگو قرار دادن پیشوایان دینی به این مهم توجه بسیار نموده‌اند.

۲. عشق و علاقه و محبت به اهل بیت علیهم السلام و فرزندان و نوادگان آن‌ها و امامزادگان در میان مردم ریشه‌ای دیرینه دارد. این علاقه و محبت برگرفته از کتاب خدا «قرآن» و فرمایشات نبوی و معصومین علیهم السلام است. به طوری که ارادتمندان و محبین آن‌ها از بذل مال و جان مضایقه نمی‌نمودند.

۳. ارتباط تنگاتنگ و توأم کارکردها و فعالیت‌های اجتماعی، با هنر در ایران دوران اسلامی به ویژه در آثار ماندگار در امامزاده اسماعیل مانند «سنگاب‌ها» و... به وضوح قابل مشاهده است و این برگرفته از فرمایش گهربار نبوی است که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.»<sup>(۲۹)</sup>

## ۲. مظاهر نمادین هنری در امامزاده اسماعیل:

حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب خود چنین می‌نویسد: «در جلالت قدر امامزاده اسماعیل محل تأمل نیست. صحن و بقعه و مسجد و مدرسه و مقبره، تقریباً بیش از سه هزار ذرع، دارای مبانی شگرف بوده و کاشیکاری معرق و نقاشی منقح و درب‌های منبت چوبی و فولاد کاری داشته. درب دالان مستطیل ضریح قطعه جواهر صنعتی بوده که ذره ذره‌های زر را با چکش در پولاد به کار برده، هر زمان به زیارت بقعه می‌رفتم، تا نیم ساعت چشم از استادی آن پولاد ساز بازکوبی و نازک کاری در آن بر نمی‌گرفتم و می‌گفتم: «دیده از دیدار این در برگرفتن مشکل است». افسوس قطعه پولاد از آن درب را در قحطی هزار و سیصد و سی و شش دزدیدند و بردند و بقیه در هزار و سیصد و هفت شمس که ریاست

بلدیه با شاهنده بود، کنده شد و قطعاتی را گویند، مجد نامی، عتیقه چی تهرانی برده، یک قطعه را هم مرحوم حاج آقا مرتضی گفتند: شخصی محفوظ داشته». (۳۰) پس از آن که امامزاده از طرف آقای نقیب زاده مشایخ که یکی از مردان خیرخواه و متدین می باشند تحت تعمیر در آمد، پولادهای مزبور را برای تکمیل و نصب مجدد اعاده دادند و فعلا جزو اشیاء موزه چهلستون است. (۳۱)

بنای امامزاده اسماعیل در زمان شاه عباس اول شروع شده و در زمان شاه صفی سال ۱۰۴۳ هجری / ۱۶۴۳ میلادی به اتمام رسیده و سایر سلاطین به نوبه خود تعمیراتی از این امامزاده نموده اند. (۳۲)

کتیبه های متعددی در مجموعه زیارتی امامزاده اسماعیل موجود است که به اختصار به شرح ذیل است:



- کتیبه سردر جنوبی امامزاده اسماعیل، به نام شاه صفی و تاریخ ۱۰۴۳ و به خط محمد رضا امامی است و در زیر آن کتیبه دیگری به نام شاه سلطان حسین و به

خط علی نقی بن محمد محسن الامامی خوانده می‌شود که در سال ۱۱۱۴ هجری/ ۱۷۰۲ میلادی به سرکاری محمد ابراهیم بیک تعمیر گردید. (۳۳)

- کتیبه‌های مسجد شعیا به خط محمد حسن امامی و عبدالحمید الادهمی مورخ سال‌های ۱۱۰۰ و ۱۱۱۵ هجری است.

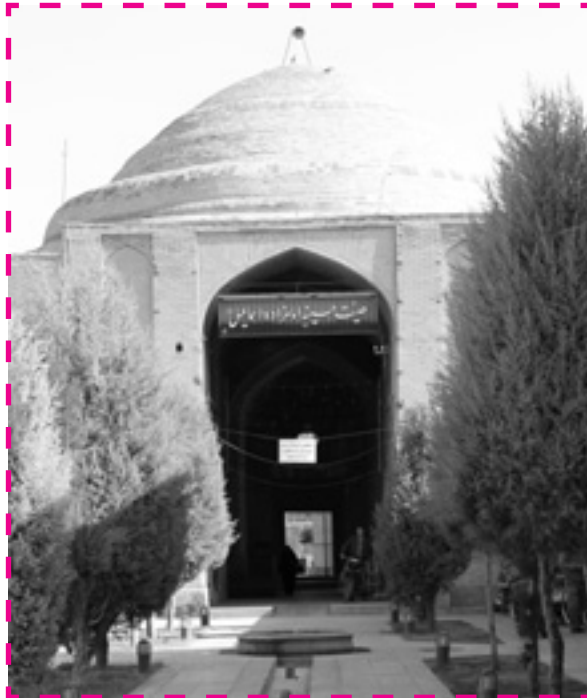
- بر دیوار غربی سردر تاریخی بقعه امامزاده اسماعیل سنگ نوشته‌ای بر دیوار نصب شده که به فرمان شاه سلطان حسین و بنا بر استدعای مقرب الخاقان و جالینوس زمان (حکیم باشی)، مردم محله امامزاده اسماعیل از تکلیف یراق پوشی ایام عاشورا و بستن نخل و غیره معاف شدند. این فرمان که به خط ثلث برجسته و به قلم علی نقی امامی به سال ۱۱۱۵ هجری است.

- کتیبه آرامگاه دختر شاه اسماعیل سوم، در داخل حرم امامزاده یک سنگ فرش مرمرین متعلق به زینت نساء بیگم دختر شاه اسماعیل وجود دارد. به تاریخ ۱۱۹۶ ق (۳۴)

قرن یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم را دوران اعتلا و عظمت خوشنویسی در اصفهان و ایران باید نامید، ثلث نویسان بزرگی چون علی رضا عباسی، باقر بنا، محمد رضا و محمد محسن و علی نقی امامی و عبدالرحیم جزایری و عده‌ای دیگر. ثلث نویسی شیوه ایرانی را (شیوه‌ای که در قرن پیش مقدمات آن آماده شد، و در این عهد به کمال رسید) به پایه‌ای از جمال و کمال رساندند که قبل از آن نظیری، و در چهار قرن بعد از آن تا کنون همانندی پیدا نکرده است. (۳۵)

میرزا حسن خان جابری انصاری می‌نویسد: «گنبد چهارسوق امامزاده بسی عالی بوده، شکافی از زلزله در چهارصد سال قبل خورده که معروف است: مرحوم شیخ بهایی از آن طرف راه را کج کرده و نمی‌گذشته و می‌فرموده: از دیوار شکسته باید پرهیزند، هنوز به اثر شکست، آسیب ویرانی نخورده» (۳۶) وی همچنین می‌نویسد: «به سر درب تکیه، نقاشی خوبی است، همانا آب بر آن پاشند، لطفش نمایان می‌شود. چناری بس تنومند در معبر آن از قدیم بوده که به مبالغه، بیش از

هزار سال عمرش را می گفتند، در هزار و سیصد و بیست خود به خود آتش گرفت و از قطر ساقه، کهن سالی آن معلوم می شود. (۳۷) شاردن در سفرنامه خود، به این چنار کهن که در معبر امامزاده وجود داشته است اشاره کرده و می نویسد: «و به آن میخ و کهنه بسته اند....» (۳۸)



از آثار هنری ارزشمند دیگر در حرم امامزاده اسماعیل، دربی است که به مقبره شعیا نبی متصل می گردد، یکی از درهای نفیس منبت کاری است که نمونه صنعت قرن هشتم هجری می باشد. (۳۹) این درب زمان شاه محمود بن امیر مبارزالدین مظفری نصب شده و قطعاً مربوط به سال ۷۵۹ تا ۷۷۶ هجری است. تزئینات دیگر به کار رفته در بقعه امامزاده اسماعیل:

۱. ستاره برجسته در میان لوحه بالای در از تکرار پنج مرتبه کلمه الله؛ ۲- بالای لنگه در سمت راست لوحه مربع شکلی است که جمله (العظمه لله) و روی لنگه

سمت راست (الملک الله) به خط برجسته منبت کاری شده است؛ ۳- پائین میانه لوحه مستطیل شکل جمله لا اله الا الله و قرینه آن در روی لنگه دیگر جمله محمد رسول الله و میان لنگه سمت راست و در وسط یک لوزی با تکرار چهار کلمه محمد و لنگه سمت چپ چهار مرتبه علی، ستاره زیبایی به وجود آورده و در اطراف لوزی لنگه سمت راست و چپ نام ائمه اطهار علیهم السلام را ذکر نموده است. (۴۰) قدیمی ترین قسمت بقعه امامزاده اسماعیل، مرقد شعیبا نبی و باقیمانده یک مناره سلجوقی است. بقعه، ضریح، رواق و صحن آن از دوره صفویه است. (۴۱) تزئینات داخل حرم امامزاده اسماعیل در نوع خود بی نظیر است و در سایر آثار تاریخی و مذهبی اصفهان مشابه آن دیده نشده است. (۴۲)





با توجه به آنچه پیرامون آثار هنری در بقعه و حرم امامزاده اسماعیل گفته شد، نکات ذیل به عنوان کارکردهای آن در ذهن متبادر می‌شود:

۱. هنر یعنی زیبا آفرینی و خلق زیبایی قابل درک، که این امر در فطرت و سرشت انسان به ودیعه نهاده شده است. خداوند که خالق تمام جهان هستی و مخلوقات آن است، خود بزرگ‌ترین هنرمند و خالق تمام زیبایی‌ها است. پروردگار متعال این صفت ارزنده خویش را به انسان‌ها مرحمت کرد. در هنر اسلامی، هنر و زیبایی آفرینی پیوسته در خدمتگزاری به دین و آرمان‌های ارزشمند آن قرار گرفته است.
۲. علاقه به هنر و زیبا آفرینی برگرفته از کلام الهی «قرآن» است که مشوق مسلمانان در خلق زیبایی‌ها می‌باشد. محققى در این باره می‌نویسد: «زیباترین تعبیرات قرآنی سرمشق خوب دیدن و بدیع تفسیر کردن را فرا روی هنرمند قرار داد. مضامین و قالب‌های هنری تغییر کرد و مفاهیم جدید ارزشی، جانشین اصول نامتعارف پیشین شد.» (۴۳) ترجمه آیه ۲۴ سوره حشر چنین است: «او خدای خالق هستی بخش صورتگر است که بهترین نام‌ها و صفات از آن اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است، تسبیح او گویند و او شکست ناپذیر حکیم است.»



در واقع هنرمندان دوره اسلامی به ویژه هنرمندانی که در بنای متبرک امامزاده اسماعیل در رشته‌های مختلف هنری اعم از نقاشی، خوشنویسی، ضریح‌سازی، منبت‌کاری، کاشیکاری و... یادگارهایی از خود برجای گذاشتند، هنرشان را از یکسو در جهت تسبیح خداوند، که بهترین نام‌ها و صفات متعلق به اوست قرار دادند. و از دوم سو به معرفی و تجلیل از برگزیدگان الهی که نبی مکرم اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند، پرداختند و از سوم سو با هنر نمایی خود یک فضای معنوی و دینی و فرهنگی خاص ایجاد نموده و زمینه تقرب به خدا را در زائرین فراهم می‌نمودند.

محقق در همین راستا می‌نویسد: «افزون بر معماری، هنر خطاطی نیز از عرصه‌هایی بود که ضمن تجلی خلاقیت می‌توانست همه ذوق، ابداع و تعقل توأم با احساس هنرمند مسلمان را نمایان کند... آنچه توانست بر اقبال خط نویسان بیفزاید، توجه قرآن کریم به موضوع قلم و کاربرد آن بود که رکن خوشنویسی به شمار می‌رفت «ن و القلم و ما یسطرون»<sup>(۴۴)</sup> بدین ترتیب خوشنویسی نمودی برای تجلی خداوند و تعالیم اوست و همه پیکره هنر و نمادهای فرهنگ اسلامی را در خود دارد. هنری که در واقع از حرکت قلم خلق می‌شود و شریف‌ترین اثر را از خود بر جای می‌نهد. کتیبه‌های زیبای حاوی پیام منشور و منظوم قرآن به همراه نام انبیاء و احادیث شریف پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا اسامی حکمرانان و یا هنرمندان و خطاطان، بخش علمی و ماهیت تمدن اسلامی را می‌سازند.»<sup>(۴۵)</sup>

محقق و پژوهشگر دیگری می‌نویسد: «که گفت که در اسلام، دین را با هنر سازگاری نیست؟ بر عکس، این هر دو با یکدیگر ملاقات می‌کنند و آن هم در مسجد. خدای اسلام، الله تعالی، نه فقط رحیم و حکیم است بلکه جمیل هم هست، و از همین رو، دوستدار جمال. یک نظر به بعضی مساجد کهن نشان می‌دهد که بناهای با شکوه والا که به پیشگاه خداوند اهداء شده‌اند صرف نظر از قدس و نزهت معنوی که دارند، از لحاظ یک مورخ نیز در خور آنند که گالری‌های هنر

اسلامی تلقی شوند... حقیقت آن است که معمار مسلمان در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می‌دید اگر آن را در خور عظمت و جلال خدا می‌یافت، سعی می‌کرد تا به هنگام فرصت برای آن در مسجد جایی باز کند. بدین گونه، ستون را از آنچه در معابد بابل بود، گرفت، مناره و محراب را از کلیسا اقتباس نمود و ایوان و طاق آن را از قصرهای سلطنتی ساسانیان تقلید نمود.»<sup>(۴۷)</sup>

تجلی انواع هنرهای اسلامی را در مساجد می‌توان دید. مسجد نموداری از هنر معماری و کاشیکاری و نقاشی و خطاطی و گچ بری و آئینه کاری و منبت کاری و صنایع دستی و دیگر انواع هنرها که در قندیل‌ها و فرش‌ها و ظرف‌ها و شمعدانی‌ها به کار رفته است، می‌باشد. (اکثر این هنرها در بنای متبرک امامزاده اسماعیل موجود است) و می‌توان گفت که: «مسجد نمایشگاه هنرهای اسلامی است.»<sup>(۴۷)</sup>

ویژگی‌ها و کارکردهای هنر اسلامی به ویژه آنچه در بنای متبرک امامزاده اسماعیل علیه السلام از قرن اول تا دوازدهم هجری به کار رفته و برای زائرین درس آموز و تعالی بخش معنویت آنان است به شرح ذیل می‌باشد.

۱. متعهد و راستین
۲. روشنی و صراحت
۳. خادم عقیده و ایمان
۴. هدفمند و متعالی
۵. پایا و ماندگار
۶. اخلاقی بودن (بهترین پیام‌های اخلاقی را به جامعه عرضه می‌دارد)
۷. برآمدن از یک حقیقت اعتقادی
۸. وسیله‌ای برای رسیدن به قرب الهی
۹. امید بخش و پرنشاط: (هنر اسلامی زایل کننده ناامیدی و افسردگی، پر تحرک و موجد حرکت است، از این رو ضمن از میان بردن درد و رنج، نور امید به دل‌ها می‌تاباند و نجات بخش حیات جمعی و فردی است).

۱۰. مردمی و همگانی: این هنر عام فهم و عموم پسند، در خدمت مردم و برای آنهاست، از این رو از متن جامعه برمی‌خیزد و همه آحاد ملت را در بر می‌گیرد. (۴۸)

### ۳. نهاد آموزشی و تعلیم و تربیت:

از مراکز مهم علمی اسلامی، شهر اصفهان می‌باشد که شخصیت‌های بارز علمی و چهره‌های ادبی و تاریخی، چون ابوالفرج اصفهانی، حمزه اصفهانی، حافظ ابونعیم اصفهانی، راغب اصفهانی، ابن واضح یعقوبی از این شهر برخاسته و به داشتن مساجد کهن و مراکز متعدد علمی اشتهار داشته و از همان قرن‌های اولیه اسلام به عنوان «دارالعلم شرق» در تاریخ و فرهنگ اسلامی معروف بوده است. (۴۹) قبر امامزاده اسماعیل واقع در خیابان هاتف (که سابق معروف به کوی گلپهار بوده) دارای بقعه و حرم و صحن و حجرات بسیار مجلل و عالی‌ترین بنای باستانی است که هم در سابق و هم در حال حاضر محل سکونت طلاب علوم دینی می‌باشد و پیش از این، زیارتگاه عمومی مردم اصفهان بوده، و حتی حدود چهل خانه در اطراف آن وقف زوار و واردین آن بوده که چون گاهی از راه دور و خارج شهر می‌آمده‌اند، خود و عائله یا همراهان به مدت یک یا چند شبانه روز در آن خانه‌ها سکونت می‌کرده‌اند. (۵۰)

بنای متبرک امامزاده اسماعیل گذشته از این که زیارتگاه عمومی بوده، اما از جنبه آموزشی و تعلیم و تربیت در حوزه علوم دینی و تربیت مبلغین و اسلام شناسان از دیرباز زبانزد خاص و عام بوده است. محقق و پژوهشگری در این باره می‌نویسد: «موقعی که آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی از مدیسه به اصفهان آمده بودند، ایشان از طلاب مدرسه ابراهیم بیگ جنب حرم امامزاده اسماعیل حسنی (واقع در خیابان هاتف) بوده‌اند. این مدرسه توسط ابراهیم بیگ صفوی بنا شده است و شخصیت‌های بزرگی در آن تربیت شده‌اند. (۵۱)

## ۴. جلسات قرآن و تعلیم امور شرعی:

در اماکن مقدسه مانند مساجد، امامزاده‌ها و بقاع متبرک، حسینیه‌ها و... از قدیم الایام تا کنون جلسات قرائت قرآن و تفسیر آیات نورانی الهی دایر بوده و یک عالم دینی به تفسیر آیات می‌پرداخته و علاوه بر آن پاسخ‌گوی مسائل شرعی عموم نیز بوده‌اند و حتی حجره‌ای اختصاص به پاسخگویی به سوالات امور شرعی مردم قرار داشته و دارد.

## ۵. برگزاری هیأت‌های مذهبی و سوگواری و مرثی‌ها در امامزاده

### اسماعیل:

هر هیأت، نام خاص و پرچم و علامت ویژه دارد. هیأت‌های عزاداری، گاهی متوسلین به یکی از ائمه یا شهدای کربلا هستند. هیأت که نوعی سوگواری گروهی است، در قدیم هم رایج بوده و شیعیان به صورت جمعی نوحه خوان و با تشکیلات طعام، به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رفتند. (۵۲)

از جمله برنامه‌هایی که از سوی امامان معصوم مورد تشویق قرار گرفته تا از این طریق، خاطره رشادت‌ها و مظلومیت‌های شهدای کربلا و فرهنگ عاشورا زنده بماند، سرودن مدح و مرثیه است. قالب شعر، به لحاظ برخورداری از وزن و آهنگ و بعد عاطفی، مؤثرتر و ماندگارتر است. از این رو به عنوان سلاحی مؤثر در دفاع از حق و ستایش راستی و راستان به کار گرفته شده است. (۵۳) زبان صریح شاعرانی همچون «فرزدق»، «کمیت»، «دعبل»، «سیدحمیری» و...، هیچ مصلحتی را مراعات نمی‌کرده و در دفاع از حق، مهر سکوت بر لب نمی‌زده است. و اگر چنین می‌کردند، چرا آرام و محترم نمی‌زیستند، بلکه یا در فرار بودند و یا در تبعید و یا طعمه ناوک دژخیمان روزگار. (۵۴)

برگزاری هیأت‌های مذهبی و سوگواری و مرثی‌ها در اماکن مقدسه به ویژه امامزاده اسماعیل از یکسو تکریم شعائر مذهبی و گرامیداشت شهادت مظلومانه امام

حسین علیه السلام را در بر داشت و از دوم سو موجبات انسجام و یکپارچگی و وحدت مذهبی در میان مردم را مهیا می نمود. و از سوم سو درس آزادگی و جانبازی و شعار شور آفرین «هیاهات منا الذله» را در علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام فزونی می بخشید و از چهارم سو، درس مبارزه با ظلم و ستم و طاغوت را به شیعیان و مسلمانان و همگان می آموخت و از پنجم سو، درس چگونه زیستن و سعادت‌مند شدن را آموزش می داد.

## ۶. حضور شخصیت‌های موثر و مهم مذهبی در آستان مقدس امامزاده اسماعیل:

از قدیم الایام برخی از چهره های سرشناس مذهبی و علمی و اخلاقی که به زهد، ورع و وارستگی مشهور بودند، در مسجد امامزاده اسماعیل به عنوان امام جماعت، اقامه نماز می کردند، یا در مدرسه ابراهیم بیک که در جنب امامزاده بود، به تحصیل علوم دینی مشغول بودند. (قبلا اشاره کردیم که آیت الله سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی در این مدرسه تحصیل کردند). بدیهی است حضور این افراد با توجه به موقعیت مذهبی و معنوی و علمی که داشتند، نقش مؤثرتری در جذب مردم و زائرین امامزاده اسماعیل به ارزش‌های دینی و سوق دهنده آنها به سمت فرهنگ ناب اهل بیت علیهم السلام بودند. آنان با سخنانشان یا با تألیفاتشان به ترویج شریعت اسلام و مکتب علوی می پرداختند. در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می کنیم:

یکی از علمای بزرگ و سادات جلیل اصفهان «آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی» مولف کتاب ارزشمند مکیال المکارم (فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام) بودند. ایشان در مسجد مرقد مطهر امامزاده اسماعیل در جای پدرشان، مرحوم سید میرزا عبدالرزاق موسوی اقامه جماعت می کرد، و در جمع کردن اخبار و آثار وارده درباره حضرت مهدی علیه السلام بسیار اهتمام داشت. (۵۵) ایشان در بین الطلوعین روز جمعه ۲۸ محرم ۱۳۱۹ وفات یافت.

از دیگر شخصیت‌های فاضل و عالم که در مسجد امامزاده اسماعیل، امام جماعت و به اقامه نماز پرداختند، «آیت الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی» بودند. (۵۶) آثار قلمی این عالم بزرگوار بیش از هشتاد مورد است که تنها چند جلد آنها به همت فرزند فاضل ایشان (حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی) طبع و منتشر گردیده است. این عالم جلیل القدر در بیستم ماه ذی قعدة ۱۳۷۰ هـ. ق برابر با شهریور ۱۳۳۰ هـ. ش دعوت حق را لبیک گفت. (۵۷)

## ۷. امامزاده‌ها خواستگاه و پایگاه حوائج مردمی:

مؤلف کتاب تاریخ اصفهان چنین می‌نویسد: «دستگاه امامزاده اسماعیل بسیار عالی بوده، خانه‌هایی اطراف داشته که در آن شمع مومی می‌ریختند و مخصوصاً دو شمع مومی، شب‌های جمعه روشن می‌کردند، دو شمع‌دان طلا که بلندی شمع به حدی بود که با نردبان آن را روشن می‌کردند. (۵۸)



از آنجایی که ارتباط قلبی و معنوی مسلمانان به ویژه مردمان ایران، خاصه شیعیان نسبت به فرزندان ائمه معصومین علیهم‌السلام و اولاد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طول تاریخ

اثبات گردیده، و در این راستا نیز در مواقع عسر و حرج و اضطرار یا تقاضای نیت‌های معنوی و مادی و جهت رفع حوائج به مقابر و مزارات امامزادگان، مراجعه می‌نمودند. لذا این گونه مکان‌ها به عنوان جایگاهی برای گذراندن برخی ایام فراغت، البته جهت عبادت یا انجام نذورات نیز بوده و هست و حتی در ایام مختلف با روشن نمودن شمع و پخش طعام و مواد غذایی و خوردنی از سایر زائران نیز پذیرایی می‌کنند. حتی در مواقع برخی اختلافات و برای رفع دعاوی نیز بعضی، قسم خوردن در آن مکان‌ها را مبنا قرار داده‌اند.

## ۸. مزار امامزادگان، به ویژه امامزاده اسماعیل اصفهان، نمودی از آرمان‌های راستین تشیع:

این مزارهای متبرک در ایران نمودی از آرمان‌های راستین تشیع است که از اسلام ریشه گرفته بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزش‌های ولای مکتب تشیع محسوب می‌گردید؛ این مکان‌ها افزون بر این که محلی برای زیارت مشتاقان اهل بیت علیهم‌السلام بود، مدرسه بزرگی برای زائران تلقی می‌گردید که از معرفت امامزادگان و فضایل اخلاقی آن بزرگواران بهره‌مند گردند و از سویی به

۱۶۸

تباع متبرک



نگرشی بر زندگی‌نامه امامزاده اسماعیل در اصفهان و بررسی کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی آن



مظلومیت و حقانیت آنان پی برند که این خود در گسترش مذهب شیعه نیز مؤثر بود. به بیان دیگر، این آرامگاه‌ها هر کدام به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل گردید. (۵۹)

مبنای سیاست حکومت صفویه، ترویج مذهب تشیع و نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام بود و تجلیل از ائمه اطهار و بناهای مذهبی در دولت آن‌ها مورد اهمیت بسیار قرار داشت. آن‌ها توانستند حاکمان و امیران محلی را که اغلب حنفی و اهل سنت بودند، از صحنه‌های سیاست و قدرت دور نمایند. آنان مذهب تشیع را در سرزمین‌های تحت قلمرو خود گسترش دادند. و بدین رو شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام از فضای تقیه و تحقیر بیرون آمدند. (۶۰)

### نتیجه:

نگاه مردم به امامزاده‌ها به ویژه امامزاده اسماعیل در اصفهان توأم با احترام و تجلیل و تکریم از آن‌ها بوده است. زیرا آنان را فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از حضرت فاطمه علیها‌السلام می‌دانستند. و هر کدام از آن‌ها که به دست عمال خبیث بنی امیه یا بنی عباس یا حکام جور به شهادت می‌رسیدند، برای آن‌ها مزار و بقعه‌ای درست می‌کردند. مزار متبرک امامزادگان به ویژه، امامزادگان صحیح النسب مثل امامزاده اسماعیل اصفهان، کانونی برای تجمع علاقه‌مندان و ارادتمندان به آن‌ها شد و موجبات گسترش و تقویت کانون‌های شیعی در ایران گردید. از سوی دیگر موجبات گسترش فرهنگ زیارت و معرفت بخشی هر چه بیشتر به مسلمانان به ویژه شیعیان و به عبارتی بیداری اسلامی را در آنان مهیا نمود و به آنان آموخت که پیوسته مدافع حق و اسلام ناب محمدی باشند و انزجار خود را از حاکمیت‌های طاغوت و ظالم در هر دوره و عصری اعلام نمایند. و حتی جان خود را در راه اعتلای اسلام و آرمان‌های راستین تشیع فدا نمایند و موجبات توسعه فرهنگ شهادت طلبی در میان آحاد مردم گردید. با توجه به عشق و علاقه مردم به سادات،

ترویج هنر و آثار تزئینی در بقاع متبرک امامزادگان از سوی هنرمندان مورد توجه قرار گرفت، که صحن امامزاده اسماعیل به نوعی نمایشگاه انواع هنرهای اسلامی است.

این مکان مقدس علاوه بر جنبه زیارتی، به عنوان یک نهاد آموزشی و تعلیم و تربیت نیز مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از بزرگان به تعلیم و تربیت طلاب علوم دینی پرداختند و شخصیت‌های بزرگی همچون آیت الله سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی تربیت شدند که در ترویج مکتب علوی وجودشان بسیار موثر و مفید بود. حضور هیئت‌های مذهبی و سوگواری و مرثیه سرایی و مداحی، جوش و خروش انقلابی بودن و انقلابی ماندن و حسینی بودن و حسینی ماندن و حسینی شهید شدن را به همگان، به ویژه شیعیان آموخت. و این مزارات پایگاهی برای رفع حوائج معنوی و حتی مادی مردم گردید.

وقف ششمت چهارم در  
وقف بهترین کاش  
به یمن از سید محمد باقر  
میرزا محمد باقر

## پی‌نوشت‌ها:

۱. مدرس در دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام
۲. ر.ک: مقاتل الطالبیین، صص ۱۷۸-۳۶۹.
۳. امام رضا علیه السلام و ایران، ص ۱۵۰.
۴. تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۶۱.
۵. تاریخ طبرستان، ص ۲۲۹.
۶. امام رضا علیه السلام و ایران، ص ۱۵۵.
۷. تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۵۹.
۸. ره آورد ایام، ص ۲۷۱.
۹. تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۶۰.
۱۰. پیکار صفین، ص ۲۵.
۱۱. تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۵۵.
۱۲. تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران، ص ۱۶۱.
۱۳. تاریخ حبیب السیر، ص ۳۰۹.
۱۴. مقاتل الطالبیین، ص ۱۹۲.
۱۵. مزارات اصفهان، ص ۱۰۳.
۱۶. تاریخ تشیع اصفهان، ص ۳۸۴.
۱۷. مجله معارف اسلامی (فروردین ۱۳۴۸)، ص ۹۴.
۱۸. فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، ص ۴۵۳.
۱۹. مجله معارف اسلامی (فروردین ۱۳۴۸)، ص ۹۳.
۲۰. ذکر اخبار اصفهان، ص ۱۳۰.
۲۱. مجمل التواریخ و القصص، ص ۵۲۴.
۲۲. مجله معارف اسلامی (فروردین ۱۳۴۸)، ص ۹۳.
۲۳. مزارات اصفهان، ص ۱۰۲.
۲۴. تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، ص ۹۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۲۱.
۲۵. سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان، ص ۱۲۰.
۲۶. همان، ص ۱۲۲.
۲۷. فرهنگ فارسی عمید، ص ۸۰۸.
۲۸. مجله هنر و مردم (بهمن ۱۳۴۵)، ص ۱۶.
۲۹. نهج الفصاحه، ح ۱۱۸۸.
۳۰. تاریخ اصفهان، ص ۱۰۸.
۳۱. تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، ص ۹۴.
۳۲. همان، ص ۹۵.
۳۳. همان.
۳۴. مجله معارف اسلامی (فروردین ۱۳۴۸)، صص ۹۶-۹۷.
۳۵. تجلی فضائل، ص ۱۰۰.
۳۶. تاریخ اصفهان، ص ۱۰۹.
۳۷. همان.
۳۸. سفرنامه شاردن (قسمت شهر اصفهان)، ص ۱۰۵.
۳۹. تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، ص ۹۷.
۴۰. همان، ص ۹۸.
۴۱. شهری بر هامون نهاده، ص ۱۵۴.
۴۲. مجله معارف اسلامی (فروردین ۱۳۴۸)، ص ۹۶.
۴۳. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۸۶.
۴۴. سوره قلم، آیه ۲۰۱.
۴۵. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، صص ۱۸۷-۱۸۶.
۴۶. کارنامه اسلام، ص ۱۴۴.
۴۷. مسلمانان در بستر تاریخ، ص ۲۵۵.

۴۸. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، صص ۱۸۷-۱۸۸.
۴۹. تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، ص ۱۰۲.
۵۰. تاریخ تشیع اصفهان، صص ۳۸۵-۳۸۶.
۵۱. فخرتشیع، ص ۱۱۹.
۵۲. فرهنگ عاشورا، ص ۴۷۲.
۵۳. همان، ص ۴۱۲.
۵۴. ادبیات انقلاب در شیعه، ص ۸.
۵۵. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۳.
۵۶. روضه رضوان، ص ۲۴۵.
۵۷. همان، ص ۲۴۹.
۵۸. تاریخ اصفهان، ص ۱۰۹.
۵۹. امام رضا (علیه السلام) و ایران، ص ۱۴۷.
۶۰. همان، ص ۱۶۶.

### منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. نهج الفصاحه، تصحیح و تنظیم محمد امین شریعتی و عبدالرسول پیمانی، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیاء، چاپ هفتم (۱۳۸۳).
۳. ادبیات انقلاب در شیعه، صادق آئینه‌وند، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (۱۳۵۹).
۴. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، نشر صدوق، چاپ دوم.
۵. ذکر اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم اصفهانی، ترجمه دکتر نورالله کسایی، تهران، انتشارات سروش (صدا و سیما) چاپ اول (۱۳۷۷).
۶. تاریخ طبرستان، بهاءالدین محمد بن حسن ابن اسفندیار، تصحیح عباس اقبال، تهران، انتشارات پدیده خاور، چاپ دوم (۱۳۶۶).
۷. تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران، پروین ترکمنی آذر، تهران، انتشارات موسسه شیعه شناسی، چاپ دوم (۱۳۸۵).
۸. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، فاطمه جان احمدی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول (۱۳۸۶).
۹. مسلمانان در بستر تاریخ، یعقوب جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ

- اسلامی، چاپ اول (۱۳۷۱).
۱۰. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، قم انتشارات انصاریان، چاپ اول (۱۳۸۵).
۱۱. تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان جابری انصاری، تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، اصفهان، انتشارات مشعل، چاپ اول (۱۳۷۸).
۱۲. امام رضا علیه السلام و ایران، سید حسین حر، قم، دفتر نشر معارف، چاپ دوم (۱۳۸۶).
۱۳. تاریخ حبیب السیر، غیاث الدین خواند میر، زیر نظر دکتر دبیرسیاقی، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام، چاپ دوم (۱۳۵۳).
۱۴. سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان، منصور دادمهر، اصفهان، انتشارات گل‌ها، چاپ اول (۱۳۷۸).
۱۵. ره آورد ایام (مجموعه مقالات اصفهان شناسی) محمد حسین ریاحی، اصفهان، نشر سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول (۱۳۸۵).
۱۶. شهری بر هامون نهاده، محمد حسین ریاحی، اصفهان، نشر سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ دوم (۱۳۹۲).
۱۷. تجلی فضائل (یاد نامه استاد حبیب الله فضائلی)، محمد حسین ریاحی، اصفهان، نشر سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول (۱۳۸۴).
۱۸. روضه رضوان (مشاهیر مدفون در تکیه کازرونی)، محمد حسین ریاحی، اصفهان، نشر کانون پژوهش، چاپ اول (۱۳۸۵).
۱۹. فخر تشیع (زندگانی آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی)، محمد حسین ریاحی، اصفهان، انتشارات و سپان، چاپ اول (۱۳۸۷).
۲۰. کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم (۱۳۶۲).
۲۱. سفرنامه شاردن (قسمت شهر اصفهان)، شاردن، ترجمه حسین عریضی، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم (۱۳۶۲).
۲۲. فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم (۱۳۶۹).
۲۳. تاریخ تشیع اصفهان، مهدی فقیه ایمانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول (۱۳۷۴).
۲۴. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، قم، نشر معروف، چاپ دوم (۱۳۷۶).
۲۵. مزارات اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، تصحیح و تعلیق دکتر اصغر منتظرالقائم، انتشارات دانشگاه

- اصفهان (۱۳۸۲).
۲۶. مکیال المکارم (فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام)، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، قم، نشر ایران نگین، چاپ دوم (۱۳۸۱).
۲۷. بیکار صفین، نصر مزاحم منقری، به تصحیح و شرح عبدالسلام محمد هارون، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم (۱۳۷۵).
۲۸. فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، محمد مهریار، اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم، چاپ اول (۱۳۸۲).
۲۹. مجمل التواریخ و القصص، مجهول المؤلف، به تصحیح ملک الشعراء بهار، انتشارات کلاله خاور، چاپ دوم.
۳۰. تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، کریم نیکزاد و امیر حسینی، اصفهان، چاپخانه داد (۱۳۳۳).
۳۱. تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، منوچهر وکیلان، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم (۱۳۷۸).
۳۲. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، لطف الله هنرفر، اصفهان انتشارات گل‌ها، چاپ اول (۱۳۷۲).
۳۳. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، لطف الله هنرفر، اصفهان، انتشارات ثقفی، چاپ دوم (۱۳۵۰).
۳۴. امامزاده اسماعیل اصفهان، لطف الله هنرفر، مجله معارف اسلامی (فروردین ۱۳۴۸).
۳۵. سنگاب‌های تاریخی اصفهان از دوره صفویه، لطف الله هنرفر، مجله هنر و مردم (بهمن ۱۳۴۵).